



**دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی**

**دانشکده زبان‌های خارجی، گروه زبان‌شناسی همگانی
پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)**

عنوان:

**بررسی عناصر فرهنگی در ضرب‌المثل‌های عشایر خراسان رضوی
(درگز و باجگیران)**

استاد راهنما:

دکتر یدالله پرمون

استاد مشاور:

دکتر علی افخمی

نگارش:

حمیده روحبخش نافع

تابستان ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم

قشنگ‌ترین لحظاتم را به کسانی هدیه می‌کنم که در سخت‌ترین لحظات در کنارم بوده‌اند. تقدیم به مادرم و به روح پدرم و خانواده و دوستان گرامی‌ام که نهال انگیزه را در وجودم رویاندند. امیدوارم بتوانم پاسخی درخور محبتشان داشته باشم و نیز با سخاوت تمام این مجموعه را به تمامی آنان که شوق دانستن و آموختن در وجودشان شعله می‌کشد، تقدیم می‌کنم.

سپاسگزاری

« من علمنی حرفاً فقد سیرنی عبداً »

هر کس کلمه‌ای به من بیاموزد مرا عبد و بنده خویش ساخته است.

(حضرت علی علیه‌السلام)

خداوند بلند مرتبه را سپاسگزارم که توفیقی عطا نمود تا در راه دانش گام بردارم و بی‌شک ماحصل امروز من نتیجه تلاش‌های دیروز پیش‌آهنگان است چرا که ما بر دوش غول پیکران ایستاده‌ایم پس بر خود لازم می‌دانم از زحمات و راهنمایی‌های استاد ارجمند جناب آقای دکتر یدالله پرمون که در یافتن موضوعی مناسب که هماهنگ با علاقمندی‌های فردی بنده باشد به اینجانب کمک فراوان نمودند و به حرکت بنده سرعت بخشیدند، قدردانی کنم و نیز لازم است تشکر خود را مبذول استاد گرانقدر جناب آقای دکتر علی افخمی نمایم که در همان ابتدای کار ذهن مرا معطوف کار سخت در این راه نمودند. امیدوارم خداوند بر توفیقاتشان بیفزاید.

بسمه تعالی

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب حمیده روحبخش نافی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۷۰۰۰۲۶۸۰۰ در رشته زبان شناسی همگانی که در تاریخ ۱۳۹۰/۰۶/۲۹ از پایان نامه خود تحت عنوان:

بررسی عناصر فرهنگی در ضرب المثل های عشایر خراسان رضوی

با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم :

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه کتاب مقاله و ...) استفاده نموده ام مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً" برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: حمیده روحبخش نافی

تاریخ و امضا: ۱۳۹۰/۰۶/۲۹

بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۰/۰۶/۲۹

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای / خانم حمیده روحبخش نافی از پایان نامه خود
دفاع نموده و با نمره.....بحروف.....و با درجهمورد تصویب
قرار گرفت .

امضاء استاد راهنما

بسمه تعالی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی
دانشکده زبانهای خارجی

(این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)

نام واحد دانشگاهی: پیامبر اعظم	کد شناسائی پایان نامه: ۱۰۱۲۰۳۹۰۸۹۱۰۱۱
عنوان پایان نامه: بررسی عناصر فرهنگی در ضرب المثل های عشایر خراسان رضوی	
نام و نام خانوادگی دانشجو: حمیده روحبخش نافی	تاریخ شروع پایان نامه: ۱۳۸۹/۰۹/۲۷
شماره دانشجویی: ۸۷۰۰۰۰۲۶۸۰۰	تاریخ اتمام پایان نامه: ۱۳۹۰/۰۶/۲۹
استاد/ استادان راهنما: جناب آقای دکتر یدالله پرمون	
استاد/ استادان مشاور: جناب آقای دکتر علی افخمی	
آدرس و شماره تلفن: مشهد، بلوار امامت، امامت ۲۱ نبش چهارراه اول پلاک ۹۲ طبقه دوم، ۰۹۳۶۷۳۲۶۱۶۲	
<p>این پژوهش به بررسی ارتباط میان زبان و فرهنگ که یک ارتباط کاملاً ریشه ایست می پردازد. زبان یعنی وسیله ارتباطی بین افراد یک فرهنگ، قابل رویت ترین و در دسترس ترین نشانه آن فرهنگ است. در این تحقیق ۶۳۷ مورد از ضرب المثل های عشایر خراسان رضوی از طریق مصاحبه و به دو زبان فارسی و کردی به همراه آوانویسی گردآوری شده است و مورد بررسی و بسامدگیری قرار گرفته است. از این میان ۲۸۴ مورد در گروه ضرب المثل های عشایر و ۳۵۳ مورد در گروه ضرب المثل های مشترک قرار گرفته اند و عناصر فرهنگی مورد بررسی به ترتیب بسامد از زیاد به کم عبارتند از: عناصر معیشتی، عناصر مذهبی، عناصر اقلیمی، عناصر فرادستی، عناصر فرودستی و فرهنگ مردسالار و با توجه به تعداد بسیار زیاد ضرب المثل های مشترک یا قرضی نمی توان این فرهنگ را گونه ای بکر و دست نخورده در نظر گرفت.</p>	

تاریخ و امضاء:

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه مناسب است

مناسب نیست

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	فصل یک: کلیات.....
۲	۱-مقدمه.....
۳	۱-۱-پیشگفتار.....
۴	۲-۱-اهمیت تحقیق.....
۵	۳-۱- بیان مسئله.....
۵	۴-۱- سؤال‌های تحقیق.....
۶	۵-۱- فرضیه‌های تحقیق.....
۶	۶-۱- تعریف واژه‌های کلیدی.....
۷	۷-۱- محدودیت‌های تحقیق.....
۸	۸-۱- روش تحقیق.....
۱۱	فصل دوم: زبان و فرهنگ.....
۲۱	فصل سوم: پیشینه تحقیق.....
۲۱	۱-۳-مقدمه.....
۲۱	۲-۳-مبانی نظری تحقیق.....
۲۴	۱-۲-۳-تاریخ پیدایش امثال و حکم.....
۲۶	۲-۲-۳-طنز و ضرب‌المثل.....
۲۷	۳-۲-۳-ضرب‌المثال‌های فارسی در طنز جمال زاده.....
۲۹	۴-۲-۳-جنسیت.....
۳۰	۵-۲-۳-فراذستی و فرودستی.....
۳۲	۳-۳-مبانی عملی.....
۴۲	فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها.....

۴۲	۱-۴ ضرب‌المثل های عشایر کرد خراسان رضوی.....
۶۸	۲-۴ : ضرب‌المثل های مشترک عشایر کرد خراسان رضوی با زبان فارسی.....
۹۶	فصل پنجم: نتیجه‌گیری.....
۹۶	۱-۵- دست آوردها.....
۹۶	۲-۵- نتیجه آزمون فرضیه‌ها.....
۹۷	۳-۵- نتیجه گیری کلی در چشم انداز انتخاب شده برای پایان نامه.....
۹۸	۴-۵- پیشنهادات برای مطالعات بیشتر.....
۱۰۰	فهرست منابع فارسی.....
۱۰۶	پیوست ۱: نقشه‌ها.....
۱۰۵	موقعیت جغرافیایی درگز و باجگیران.....
۱۰۹	پیوست ۲.....

فصل اول

کلیات

زبان دارای نقشی فرهنگی و اجتماعی است نه این که میراثی زیست شناختی، سخن گفتن ویژگی آشنای زندگی روزمره‌ی ماست، هم از این روست که دیگر به ندرت برای تعریف آن به تامل می‌پردازیم. نزد انسان سخن گفتن اگر نه به اندازه‌ی نفس کشیدن، باری به اندازه‌ی راه رفتن طبیعی می‌نماید. با این همه لحظه‌ای تفکر ما را به این نتیجه می‌رساند که طبیعی بودن زبان جز احساسی موهوم نیست. روند کسب زبان، در واقع چیزی به کلی متفاوت با روند یادگیری راه رفتن است. می‌توان چنین گفت که آدمیزاد را از آغاز طوری آفریده‌اند که بتواند سخن بگوید، اما این به تمامی ناشی از این واقعیت است که انسان منحصرأ در طبیعت زاده نشده، بلکه در آغوش جامعه‌ای بار آورده شده است که مسلماً او را به سوی سنت‌ها و فرهنگ و آداب و رسوم رهنمون خواهد شد. جامعه را از حیات آدمی بگیریید تا باز هم ببینید که انسان شیوه‌ی راه رفتن را یاد خواهد گرفت. اما او را از جامعه دور نگه دارید تا برایتان به همان اندازه مسلم گردد که هرگز رسم سخن گفتن را نخواهد آموخت، یعنی همان رسم برقراری ارتباط به منظور انتقال آرا و عقاید بر مبنای نظام سنتی که به جامعه‌ای به خصوص تعلق دارد. یا نوزادی را از آن محیط اجتماعی که در آن زاده شده است بگیریید و به جامعه‌ای کاملاً بیگانه منتقل کنید تا ببینید که در محیط جدیدش نیز راه رفتن را درست به همان صورت فرا خواهد گرفت که در محیط سابق می‌توانست بیاموزد اما سخن گفتن او در محیط جدید کاملاً متفاوت با رسم سخن گفتن در محیط بومیش خواهد بود (سایپر، ۱۳۷۶: ۹).

۱-۱ پیشگفتار

سوسور زبان را نظامی از نشانه‌ها می‌داند که در آن میان معنی و تصویر صوتی پیوند برقرار است. نشانه ماهیتی ذهنی دارد و شامل دال و مدلول است و رابطه این دو قراردادی است. الگوی سوسور از نشانه الگوئی دو وجهی است. از دید سوسور نشانه زبانی نه یک شیء را به یک نام بلکه یک مفهوم را به یک تصویر صوتی پیوند می‌دهد و نشانه کلیتی است که ناشی از پیوند میان دال و مدلول است که رابطه بین دال و مدلول را اصطلاحاً دلالت می‌نامند. از این میان چامسکی همیشه سعی داشته است که برای نظام زبان یک رابطه ریاضی وار تعریف کند و به همین دلیل هم در نظریاتش با علائم ریاضی بسیار مواجه می‌شویم. علت آن است که او ریاضی را نیز یک زبان می‌داند که از UG یا همان دستور همگانی که در ذهن بشر به طور ژنتیکی وجود دارد ناشی شده است. زبان و فرهنگ دارای پیوستگی بسیاری می‌باشند. فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای پیچیده از خصوصیات احساسی فکری و غیر مادی که به عنوان شاخص جامعه و یا گروهی اجتماعی مطرح می‌شود (تعریف فرهنگ ارائه توسط کمیسیون فرهنگی unesco/1983). خصوصیات مهم فرهنگ عبارت است از ۱- مشترک بودن ۲- اکتسابی بودن ۳- قابلیت انتقال. کارکردهای مهم فرهنگ عبارتند از:

۱- تامین نیازهای اساسی (فیزیولوژیکی روانی اجتماعی و ...) از طریق واسطه‌گری بین محیط و انسان ۲- ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی ۳- ایجاد ارتباط جمعی و جامعه‌پذیری ۴- هویت فردی، گروهی و اجتماعی.

فرهنگ دارای دو بعد است:

الف) بعد غیر مادی که دارای دو بخش هنجاری و شناختی می‌باشد ب) بعد مادی و محیطی (که در این بعد محصولات تکنولوژیکی شرایط محیطی مورد توجه قرار می‌گیرد).

زبان و فرهنگ بر روی یکدیگر تأثیر متقابلی دارند. فرهنگ از طریق آن چیزهایی که برای اعضای یک جامعه معین اهمیت داشته و ممکن است در فرهنگ جامعه نام مشخصی برایش وجود داشته باشد و یا تحت پوشش نام ملی و همگانی قرار بگیرد بر زبان تأثیر می‌گذارد برای یک فرهنگ از نظر تطبیقی نام‌های زبانی بسیار اهمیت دارد نه تنها یک نام بلکه شاید چندین نام در زبان یک فرهنگ وجود داشته باشد تا تفاوت‌های فردی را که گویندگان یک زبان در مورد آن بیان می‌کنند درک کرده و احساس نیاز به آن را بررسی کند. زبان و فرهنگ در کنار هم ویژگی‌های رفتاری و کرداری جامعه را آشکار می‌کنند و نشان دهندهٔ علاقه‌مندی‌ها و دیگر ویژگی‌های درونی افراد جامعه می‌باشد و توجه به مقولهٔ زبان و فرهنگ باعث شناخت بهتر آن جامعه خواهد شد و راهی برای مواجههٔ درست با جامعه را رهنمون خواهد کرد.

۱-۲ اهمیت تحقیق

با توجه به این که بخش عمده‌ای از ارتباطات جامعهٔ بشری از طریق زبان برقرار می‌شود و فرهنگ عامل تأثیرگذار بر زبان می‌باشد در این تحقیق به بررسی زبان و فرهنگ و تأثیرات متقابل در چهارچوب زبان‌شناختی اجتماعی پرداخته می‌شود. زبان پدیده‌ای بافت وابسته است و در تدریس و یادگیری اگر توجه به فرهنگ لحاظ نشود باعث تنازع در ارتباطات بین افراد می‌شود از این رو توجه به این موضوع با اهمیت جلوه می‌کند. پرداختن به این موضوع باعث درک متقابل بیشتر افراد از یکدیگر و بروز واکنش متناسب خواهد شد و از اصطحاک روابط خواهد کاست. نتیجه این تحقیق برای افراد زیادی از قشرهای مختلف جامعه سودمند خواهد بود که خلاً بررسی این موارد در تحقیقات ایرانی احساس می‌شود و از این رو اهمیت موضوع قابل درک است. نتیجه این بررسی می‌تواند مورد استفادهٔ عموم قرار گیرد و تنها مخصوص قشر خاصی نمی‌باشد و نتیجه آن درک بهتر افراد از فرهنگ‌ها و

جوامعی غیر از جامعه خود می‌باشد و به شرط درک موضوع توسط افراد، از بار منفی احساسات در هنگام گفتگوی افراد با فرهنگ‌های مختلف خواهد کاست.

۳-۱ بیان مسئله

در بستر مقدمه این مسئله ذهن مرا که در حرفه‌ی راهنمایان ایرانگردی و جهانگردی به کار مشغول هستم و با اقوام مختلف در تماس می‌باشم را به سوی خود معطوف کرده که فرهنگ نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری زبان دارد و اقلیم و آداب و رسوم نیز از موارد مرتبط با این موضوع می‌باشند به این جهت این طرح پژوهشی قصد دارد که ضرب‌المثل‌های بخشی از عشایر را مورد بررسی قرار دهد و عناصر فرهنگی را کشف کند چرا که، ضرب‌المثل کلام موجزی است که پند و اندرز را به شنونده القا می‌کند و فرهنگ خمیر مایه این پند و اندرز می‌باشد.

۴-۱ سؤال‌های تحقیق

- ۱- در گونه‌ی زبان عشایر خراسان رضوی چه عناصر فرهنگی قابل تشخیص‌اند؟
- ۲- در جمع عناصر فرهنگی قابل تشخیص چه سلسله مراتبی از جنبه بسامد کاربرد وجود دارد؟
- ۳- نقش عناصر معیشتی در شکل‌گیری ضرب‌المثل‌های خراسان رضوی به چه میزان است؟
- ۴- میراث فرهنگی عشایر خراسان رضوی از جنبه به کارگیری ضرب‌المثل اصیل تا چه میزان دست نخورده مانده است؟

۱-۵ فرضیه‌های تحقیق

فرضیه ۱- در ضرب‌المثل‌های عشایر خراسان رضوی عناصر فرهنگی وابسته عبارتند از: فرهنگ مرد سالار بومی، عناصر مرتبط با معیشت عشایری، عناصر برگرفته از اقلیم محیط پیرامون عناصر مذهبی، عناصر فرادستی و فرودستی و برخی عناصر فرهنگی قرض گرفته شده از فرهنگ‌های دیگر.

فرضیه ۲- در ضرب‌المثل‌ها بسامد کاربرد عناصر فرهنگ‌وابسته به ترتیب از زیاد به کم تعلق دارد به معیشت عشایری، عناصر اقلیمی، عناصر فرهنگ مرد سالار، و عناصر قرضی.

فرضیه ۳- نظر به یک‌جا نشین نبودن عشایر خراسان رضوی و وابستگی آن‌ها به زندگی دامپروری، عناصر وابسته به این معیشت در ضرب‌المثل‌های این قوم بازتاب دهنده روابط اجتماعی محکم و با ثبات این فرهنگ می‌باشد.

فرضیه ۴- درصد ضرب‌المثل‌های ورودی به فرهنگ عشایر خراسان رضوی کمتر از ده درصد کل ضرب‌المثل‌های این عشایر است.

۱-۶ تعریف واژه‌های کلیدی

زبان: به طور معمول زبان شامل سخن گفتن، نوشتن و خواندن است.

فرهنگ: مجموعه‌ای است از عقاید آداب و رسوم و سایر جنبه‌هایی که بیشتر بر ابعاد جنبه‌های معنوی و معرفتی وجود انسان توجه دارد (چهارمین گردهمایی معاونین دانشجویی فرهنگی و مدیران فرهنگی دانشگاه‌های سراسر کشور- تبریز ۱۳۸۰).

ضرب‌المثل: کلام موجزی است که پند و اندرز و اندیشه را منتقل می‌کند.

اقلیم: سرزمین، کشور- اقلیم یک محل معین مجموعه‌ی عوامل جوی است که مدتی نسبتاً طولانی دوام پیدا می‌کند. و وضع آن محل را از لحاظ آب و هوا در طی مدتی نسبتاً متمادی مشخص می‌سازند. از جمله عوامل مذکور دما، ریزش (باران) رطوبت، باد و فشار جو

است. عرض جغرافیایی عامل درجه اول مؤثر در آب و هوا است، عوامل درجه دوم عبارت است از موقعیت نسبت به خشکی یا دریا، فراز، پستی و بلندی، بادهای غالب، جریان‌های دریایی و ...

فراستگی: اصطلاحی است که در نوشته‌های برخی از مارکسیست‌های سده بیستم به کار می‌رود. مراد از آن چیرگی مادی و معنوی یک طبقه بر طبقات دیگر است، چنان‌که در اصطلاح سلطه‌جویی بورژوازی به کار رفته است و تأکید این اصطلاح بر آن است که طبقه‌ی مسلط نه تنها از نظر سیاسی و اقتصادی جامعه را زیرنظارت دارد بلکه شیوه خاص نگرش خویش به جهان و انسان و روابط اجتماعی را نیز چنان همه‌گیر می‌کند که به صورت عقل سلیم درمی‌آید و آنانی که زیر تسلط هستند این نگرش را همچون پاره‌ای از نظم طبیعی جهان می‌پذیرند. (آشوری، ۱۳۸۷: ۸۷)

فروستگی: در تضاد با فراستگی است.

معیشت: شیوه کار و زندگی مردم و استفاده از امکانات و وسائل مرتبط است.

عشایر: جامعه‌ی انسانی که اساس زندگی آن‌ها بر کوچ‌نشینی از جایی به جای دیگر به منظور پیدا کردن محیطی مناسب برای چرا و پرورش دام‌ها استوار است.

۷-۱ محدودیت‌های تحقیق

۱- تعداد ضرب‌المثل‌هایی که به نگارش درمی‌آید کل ضرب‌المثل‌های جامعه مورد نظر نمی‌باشد و بعید نیست اگر پژوهشگر دیگری ضرب‌المثل‌های دیگری را مورد بررسی قرار دهد به فرضیه‌های متفاوتی برسد.

۲- جمعیتی که از عشایر خراسان رضوی انتخاب شده متنوع‌اند و نمونه‌گیری از جامعه آماری محدود می‌باشد و چنان‌چه نمونه بزرگتر شود بعضی از نتایج آن تغییر خواهد کرد.

۸-۱ روش تحقیق

در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده و مراحل زیر طی شده است:

۱- گردآوری و مرور منابع نظری و توصیفی مرتبط با موضوع و انجام یادداشت برداری‌های مورد نیاز.

۲- مراجعه به عشایر خراسان رضوی و انتخاب گویشواران و انجام مصاحبه جهت مقایسه ضرب‌المثل‌های فارسی و ضرب‌المثل‌های عشایر خراسان. با توجه به اینکه معمولاً عشایر این منطقه به زبانی به غیر از زبان فارسی صحبت می‌کنند باید افرادی جهت مصاحبه انتخاب می‌شدند که هم از دانش کافی در مورد ضرب‌المثل‌های مورد استفاده مردم خود برخوردار باشند و هم به زبان فارسی تسلط کامل داشته باشند تا بتوانند مفاهیم فرهنگی را منتقل کنند. عشایر مورد مصاحبه شامل دو نفر مرد می‌باشند که هم زندگی کوچ‌نشینی و هم زندگی یکجانشینی را تجربه کرده‌اند و زبان اصلی آنها زبان کردی است که یکی متعلق به منطقه باجگیران و دیگری متعلق به منطقه درگز می‌باشد.

۳- آوا نگاری ضرب‌المثل‌ها: برای اینکه دسترسی به ضرب‌المثل‌ها آسانتر باشد ضرب‌المثل‌ها به ترتیب حروف الفبا مرتب شده‌اند و در زیر هر ضرب‌المثل فارسی، آوا نویسی فارسی و سپس شکل کردی ضرب‌المثل و در نهایت آوا نگاری کردی آن فراهم شده است. لازم به توضیح است که با توجه به اینکه در مراجعه به افراد امکان به یادآوری ضرب‌المثل‌ها مشکل است، در ابتدا منابعی که به جمع‌آوری ضرب‌المثل‌ها پرداخته‌اند مورد مطالعه قرار گرفت که از آن جمله کتاب ارزشمند ده هزار مثل فارسی و بیست و پنج هزار معادل آنها تالیف دکتر ابراهیم شکورزاده می‌باشد از این میان ضرب‌المثل‌هایی که احتمال آن می‌رفت در بین همه جوامع استفاده شود و شاید شیوه بیان آن متفاوت باشد و نیز ضرب‌المثل‌هایی که به شیوه زندگی عشایر نزدیک‌تر بودند انتخاب شدند و در هر جلسه مصاحبه تعدادی از این ضرب‌المثل‌ها خوانده می‌شد. برآیند این عمل آن شد که بعضی از ضرب‌المثل‌های مشترک به دست آمد و نیز نکته جالب توجه آن است که در بقیه موارد

مفهوم ضرب‌المثل خوانده شده افراد را به یاد ضرب‌المثل دیگری می‌انداخت که تقریباً هم معنای آن بود و یا یکی از کلمات استفاده شده در ضرب‌المثل خوانده شده کلیدی برای جستجو در ذهن مصاحبه شونده بود و ضرب‌المثل‌هایی را که آن کلمه در آنها استفاده شده بود را به خاطر می‌آورد که این روند به سرعت بخشیدن جمع‌آوری مجموعه کمک می‌کرد. لازم به ذکر است با توجه به اینکه هم باید نمونه فارسی و هم نمونه کردی یک ضرب‌المثل نوشته می‌شد و با توجه به آن که زبان محقق فارسی می‌باشد و تا قبل از این تحقیق با زبان کردی هیچ گونه آشنایی نداشته است و از آنجایی که درک زبان کردی برای محقق مشکل می‌نمود و همچنین اینجانب به اهمیت نوشتار صحیح خود را مقید می‌کردم و پس از چندین بار تکرار و تأمل بر روی نمونه کردی آن، ضرب‌المثل نهایی را می‌نوشتم تا امکان خطای شنیداری به حداقل برسد جمع‌آوری این مجموعه قدری وقت‌گیر بود و با توجه به اینکه این پژوهش را گامی هر چند کوچک در جهت حفظ میراث معنوی کشور می‌دانم از تحمل این سختی‌ها خشنودم. امید است که مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد.

۴- طبقه‌بندی ضرب‌المثل‌های به دست آمده بر اساس عناصر فرهنگی مورد توجه در این پژوهش.

۵- ترسیم نمودار و انجام بررسی‌های اولیه آماری جهت تعیین میزان کاربرد عناصر مورد توجه.

۶- نگارش تحقیق بر اساس مراحل بالا و تلاش برای آزمون فرضیه‌ها.

فصل دوم

زبان و فرهنگ

فصل دوم

زبان و فرهنگ

زبان نقش پویا در فرهنگ جامعه دارد و در تفکر فرد و اجتماع تاثیر می‌گذارد. زبان درست مانند محیطی که در آن رشد می‌کنیم به شدت در تعیین روش زندگی و تفکر ما موثر است اما نه به‌طور مطلق. ارتباط بین زبان و فرهنگ یک ارتباط عمیقاً ریشه‌ای است. زبان برای انتقال فرهنگ و گره‌های فرهنگی استفاده می‌شود عقاید مختلف، از زبان متفاوتی که در فرهنگ یک شخص تنیده شده است ریشه می‌گیرد که تمام شواهد این ارتباطات با تولد یک نفر شروع می‌شود.

پیوند زبان و فرهنگ آنچنان محکم و استوار است که زبان می‌تواند در فرهنگ جامعه بخصوصی تاثیر گذارد و یا زبان می‌تواند منعکس کننده فرهنگ و جهان‌بینی آن اجتماع باشد.

به‌طور مسلم کلماتی هست که در بعضی از زبان‌ها وجود ندارد. در مکزیکی جماعتی هستند که برای «برف» کلمه‌ای ندارند چون هرگز برف ندیده‌اند، همچنین برای مفهوم طلاق یک عبارت چند کلمه‌ای بیان می‌کنند چون مفهوم طلاق در عرف قبيله وجود ندارد. وقتی گذران معیشت مردم از راه خاصی باشد واژه‌های زیادی برای آن پدیده خاص پیدا می‌کند. مثلاً چون درخت خرما در زندگی مردم جهرم نقش مؤثری داشته است در لهجه مردم جهرم واژه‌های زیادی برای برگ و بار درخت خرما و راه‌های بهره‌برداری از آن وجود دارد که در لهجه تهران یا اصفهان که در سرزمین آنها درخت خرما بارور نمی‌شود وجود ندارد. به همین قیاس مردمی که در کناره‌های کویر زندگی می‌کنند واژه‌های زیادی برای انواع شن و شتر دارند در حالیکه مردمی که در کناره‌های دریا زندگی می‌کنند و از راه ماهیگیری امرار معاش می‌کنند، برای ماهی و قایق و امور ماهیگیری واژگان غنی‌تری دارند. هزارها مثال می‌توان ذکر کرد که همه نشان می‌دهند چگونه پدیده‌های فرهنگی یک جامعه در